



Semantics of the concept of suffering from the perspective of Buddhism and Islam

nouri kouhbanani, mojtaba^{a*}

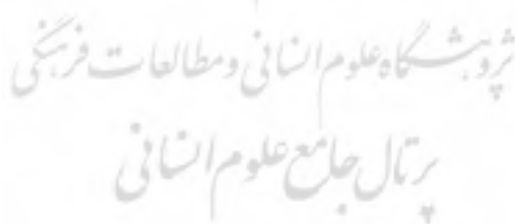
^a Doctoral student of religions at Imam Khomeini Educational and Research Institute, may God have mercy on him
mojtaba_nouri_kouhbanani@iran.ir

KEYWORDS

Semantics,
suffering,
Buddhism,
Islam,
true,
definition.

ABSTRACT

In different religions, there are various concepts, and in order to better understand these concepts and propositions, it is necessary to pay attention to the key words used in each religion in order to gain a deeper understanding of the beliefs and foundations of each religion and to avoid the confusion of different topics in the complete understanding of religious propositions. In the present research, the semantics of the concept of suffering from the perspective of Buddhism and Islam is discussed in a descriptive and analytical way. In this article, the idea of Buddhism and Islam regarding the concept of suffering is described and its various aspects are examined and it is also stated that the concept of suffering from the point of view of Buddhism is one of the second concepts and from the perspective of Islam it is one of the first concepts, also from the perspective of both Suffering is a real concept. By using these explanations, it is possible to take advantage of the contents and concepts expressed in this article in researches and articles related to the concept of suffering in Buddhism and Islam and provide more complete explanations. Also, by using these descriptions, it is possible to reach the basic and main points related to this concept in these two rituals.



* Corresponding author.

E-mail address: javadyavari@yahoo.com

DOI: 10.22034/RTMR.2024.2020991.1045

Received: 2023/11/15 ; Received in revised form: 2023/12/25 ; Accepted: 2024/1/7

Article type: Research Paper

©Author





معنا شناسی مفهوم رنج از منظر آیین بودا و اسلام

مجتبی نوری کوهبنانی^{الف*}

الف دانش‌پژوه دکتری ادیان مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی mojtaba_nouri_kouhbanani@iran.ir

| چکیده | واژگان کلیدی |
|---|---|
| در ادیان مختلف، مفاهیم گوناگونی وجود دارد که برای شناخت بهتر این مفاهیم و گزاره‌ها، لازم است به کلمات کلیدی مورد استفاده در هر دین توجه کرده تا درک عمیق‌تری از عقاید و مبانی هر دین حاصل و از خلط مباحث مختلف در درک کامل گزاره‌های دینی جلوگیری کند. در تحقیق حاضر به معناشناسی مفهوم رنج از منظر آیین بودا و اسلام به شیوه توصیفی تحلیلی پرداخته می‌شود. در این مقاله، ایده آیین بودا و اسلام درباره مفهوم رنج شرح داده شده و جوانب مختلف آن را بررسی و همچنین بیان می‌شود که مفهوم رنج از منظر آیین بودا از معقولات ثانیه بوده و از منظر اسلام از معقولات اولی است، همچنین از منظر هر دو آیین رنج یک مفهوم حقیقی است. با استفاده از این توضیحات، می‌توان در تحقیقات و مقالات مرتبط با مفهوم رنج در آیین بودا و اسلام از مطالب و مفاهیمی که در این مقاله بیان شده است، بهره برد و توضیحات کامل‌تری را ارائه کرد. همچنین، با استفاده از این توصیفات می‌توان به نکات بنیادی و اصلی مرتبط با این مفهوم در این دو آیین دست یافت. | معناشناسی، رنج، آیین بودا، اسلام، حقیقی، تعریف. تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۸/۲۴ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۱۰/۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۲۷ |

مقدمه

در مطالعه ادیان و فلسفه بشری، مفاهیم و معناها بسیار مهم و چالش‌برانگیز هستند. هر دین و آیین دارای گزاره‌ها و مفاهیمی است که به اعتقادات اعضای آن دین ارتباط می‌دهد. یکی از مفاهیم مهم در آیین بودا و اسلام، مفهوم رنج است که به‌طور گسترده در آثار و آموزه‌های این دو آیین حضور دارد.

معناشناسی مفهوم رنج از منظر هر دو آیین در جامعه علمی و فلسفی به‌عنوان یک موضوع جذاب و پژوهشی مطرح شده است. در این مختصر، مفهوم رنج در زندگی و فلسفه بودا بررسی و تلاش می‌شود تا مفهوم و معنای آن به‌طور کامل و جامع توصیف شود و در مقابل این مفهوم از منظر اسلام نیز مورد واکاوی قرار می‌گیرد. اهمیت این موضوع در تفهیم عمیق‌تر آیین بودا و اسلام و درک بهتر از مبانی آن‌ها قابل توجه است. گرچه مفهوم رنج در زمینه‌های دیگر نیز قابل بررسی است، اما در این مقاله تمرکز بر روی معناشناسی مفهوم رنج خواهد بود. هدف اصلی این مقاله، بررسی و تحلیل معنای رنج در عقاید بودائی و اسلامی است. این تحقیق می‌تواند به ما در درک بهتر فلسفه بودا و تأثیر رنج بر رشد و تحول فردی آنان کمک کند. نیز به ما در شناخت بهتر مفاهیم اسلامی در ابعاد فردی و اجتماعی مساعدت خواهد داشت.

در این مقاله، از روش تحلیل معناشناختی و توصیفی برای بررسی مفهوم رنج استفاده می‌شود. ابتدا به بحث معناشناسی

رنج پرداخته می‌شود و در ادامه به بحث حقیقی یا اعتباری بودن آن و سپس به بررسی تعریف و مفهوم رنج در آیین بودا پرداخته می‌شود. سپس در ادامه به موارد مذکور از منظر اسلام نیز اشاره خواهد شد. در این راستا می‌توان به آثار مختلفی که در این زمینه به رشته تحریر درآمده است اشاره کرد لکن به جهت اختصار به پنج مورد اکتفا می‌شود؛

۱. معرفی مکتب‌های فلسفی هند ترجمه دکتر فرناز ناظرزاده کرمانی. در این کتاب در ضمن بیان تعلیمات بودا به حقایق چهارگانه اشاره کرده و توضیحاتی را در این مورد داشته است. لکن با این دید، رنج را مورد واکاوی و مذاقه قرار نداده است.

۲. بودیسم به مثابه فلسفه، نوشته مارک سیدریتس. در این کتاب به آموزه‌های اساسی بودا پرداخته و دلایل عدم وجود «خود» را مورد بررسی قرار داده است. از این کتاب می‌توان در بُعد آموزه‌های بودا استفاده کرد، که در مورد رنج صحبت کرده است. لکن نسبت به موضوع مورد نظر چنین نبوده و به این صورت مورد بررسی قرار نگرفته است.

۳. ادیان و مکتب‌های فلسفی هند نوشته داریوش شایگان. ایشان نیز بابت تعلیمات آیین بودا و نکات مختلفی که در این زمینه وجود دارد، به مباحثی که حول محور رنج در آیین بودا پرداخته می‌شود تمرکز داشته‌اند. لذا تحقیق پیش‌رو با بهره‌گیری از این کتاب و کتب مشابه به بیان معناشناسی مفهوم رنج از منظر آیین بودا می‌پردازد.

۴. رساله "رابطه رنج با کمال اخلاقی از دیدگاه اسلام" نوشته سید مجتبی سعادت الحسینی که ابتدا به بررسی مفهوم رنج پرداخته و سپس در ادامه به انواع رنج و درجات رنج اشاره کرده و سپس تحلیلی از رابطه رنج و کمال اخلاقی انسان ارائه است. و در پایان به شرایط مشترک تأثیر رنج در کمال اخلاقی انسان توجه کرده است. در این پژوهش با توجه به اینکه فقط به بحث اسلام پرداخته نسبت به پژوهش موجود تقریباً هم‌پوشانی دارد اما از آن جهت که به صورت مقایسه‌ای نبوده دارای کاستی است.

۵. پایان‌نامه "مسئله رنج از دیدگاه آیین بودا و اسلام" با تأکید بر کتاب و سنت نوشته جعفر عباسی که به مسئله رنج در آیین بودا توجه کرده و اینکه رنج از ارکان اصلی آیین بوداست. نیز چهار حقیقت شریف ۱. وجود رنج ۲. خاستگاه رنج ۳. فرونشاندن رنج ۴. راه رهایی از رنج را مورد بحث قرار داده و در ادامه به جایگاه رنج در جهان‌بینی اسلامی پرداخته و نقش رنج و جایگاه آن در نظام توحیدی را تبیین کرده است و در پایان به مقایسه دو دیدگاه در مسئله رنج پرداخته است. این تحقیق که به صورت تطبیقی بین اسلام و آیین بودا است به بحث حاضر نزدیک است لکن نسبت به پژوهش پیش‌رو از آنجاکه به صورت جزئی به بحث معناشناسی جامع رنج در ابعاد مختلف پرداخته نشده دارای نقیصه است.

به جهت جلوگیری از خلط بحث نخست به معناشناسی مفهوم رنج از منظر آیین بودا اشاره می‌شود و بعد از آن دیدگاه اسلام در این موضوع مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۱. معناشناسی مفهوم رنج از منظر آیین بودا

مفهوم رنج از چه سنخ مفاهیمی است (معقولات اولی یا ثانی)

قبل از تبیین اینکه مفهوم رنج از چه سنخ مفاهیمی است باید اول معقولات اولی و ثانی روشن شود. لذا ابتدا به صورت مختصر بحث معقولات اولی و ثانی اشاره می‌شود و سپس مشخص خواهد شد که از منظر آیین بودا مفهوم رنج از چه سنخ خواهد بود.

معقولات اولیه و ثانویه (مطهری، مرتضی و سبزواری، هادی بن مهدی، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۱۹)

در مراتب مدرکات انسان، ادراک حسی، ادراک خیالی، ادراک وهمی، و ادراک عقلی وجود دارند. تنها ادراک عقلی به عنوان مفهوم کلی قابل انطباق بر کثیر است، درحالی‌که سایر موارد جزئی هستند. این نشان می‌دهد که کلیت یک مفهوم جدایی‌ناپذیر و معقول است. در ذهن، دو سنخ از مفاهیم و تصورات متفاوت یافت می‌شوند؛ یکی که اشیاء خارج از ذهن را

شامل می‌شود و دیگری مربوط به تصوّراتی مانند وجود، عدم، امکان، وجوب و امتناع است. این تصوّرات، نشان‌دهندهٔ موجود خاصی نیستند، اما به همهٔ موجودات قابل اعمال هستند. از این رو مفاهیم کلی دودسته هستند؛

الف- کلیاتی که به صورت مستقیم در ذهن وجود دارند، به معنای ماهیت اشیاء هستند. این اشیاء از طریق حواس با واقعیت ارتباط برقرار می‌کنند و تصویری از آن‌ها در مدارک حسی شکل می‌گیرد که با وجود عینی شیء وحدت ماهوی دارد. در مرحله بعدی، قوهٔ خیال یا حافظه وارد عمل می‌شود، که با استفاده از تصاویر حسی، ارتباطات بیشتری را ایجاد می‌کند. در نهایت، این فرآیند تکرار می‌شود و ذهن با استفاده از قوهٔ خیال تصاویر خود را ایجاد و تنظیم می‌کند که متناسب با مقام و شأن خودش، وقتی به آنجا رسید همان مرحله کلیت است.

بنابراین فرآیند «تعالی»، ابتدا از صورت عینی به صورت حسی تبدیل می‌شود، سپس با تعالی دیگر به صورت خیالی و در نهایت با تعالی بعدی، صورت عقلی شکل می‌گیرد. سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود، مربوط به این است که صورت کلی عقلی چگونه تشکیل می‌شود؟ جواب این سؤال در مفهوم کلی «ماهیت اشیاء» قرار دارد. به عنوان مثال، ماهیت «سفیدی» از عین به حس، از حس به خیال، و از خیال به عقل تحول می‌یابد. این فرآیند نهایتاً به شکل‌دهی مفاهیم کلی مانند «سفیدی»، «سرخی»، «گرمی» و سایر موارد، از جمله شجر، حجر و انسان منجر می‌شود. این مفاهیم را معقولات اولیه می‌نامند.

باید توجه داشت که مقولات عشر همه از معقولات اولیه هستند لذا شایسته است توضیح مختصری هم در مورد مقولات عشر داده شود.

مقولات عشر

ماهیت در اولین دسته‌بندی، به «جوهر» و «عرض» تقسیم می‌شود (طباطبایی، محمدحسین، بی تا، ص ۷۸). جوهر در پنج گروه ماده، صورت، جسم، نفس و عقل تقسیم می‌شود. عرض نه‌گانه از کم، کیف، این، متی، وضع، جدّه، اضافه، فعل و انفعال تشکیل شده است. عرض به عرض لازم و عرض مفارق تقسیم می‌شود. عرض لازم آنچه از ماهیت جدا نمی‌شود، مثل حرارت نسبت به آتش. عرض مفارق آنچه از ماهیت جدا می‌شود، مثل ایستادن یا نشستن برای انسان است. عرض مفارق زودگذر مثل سرخی شرم و زردی ترس و دیرگذر مثل پیری و جوانی است.

ب: برخی از معقولات و مفاهیم ذهنی، این احکام را ندارند یعنی صورت مستقیم اشیاء خارجی و مناط تعیینات اشیاء و ذات آن‌ها، نیستند. بلکه تنها بیانگر حالات و حکم اشیاء هستند مانند علت و معلول، امکان و وجوب، وحدت و کثرت و..... این گونه معقولات را، معقولات ثانویه می‌نامند.

معقولات اولیه و ثانویه در سه نکته مهم با یکدیگر تفاوت دارند؛ (مطهری، مرتضی، ۱۳۶۸، ج ۵، ص ۲۷۴-۲۷۶)

۱. معقولات اولیه از اقسام موجودات هستند و مستقیماً از اشیاء خارجی گرفته شده‌اند، در حالی که معقولات ثانویه به صورت صفاتی برای اشیاء هستند و از وجود موصوف مستقل نیستند. برای مثال، کاغذ موجود است (معقول اولیه)، اما سفیدی کاغذ (معقول ثانویه) صفتی است که بر موصوف حمل می‌شود.

۲. معقولات اولیه قبل از حس و خیال در ذهن ما وارد می‌شوند، در حالی که معقولات ثانویه ابتدا به طور حسی و خیالی وارد نمی‌شوند.

۳. معقولات اولیه به یک نوع یا یک مقولهٔ خاص اختصاص دارند، اما معقولات ثانویه جنبهٔ عمومی دارند و به عنوان مصادیق عامه محسوب می‌شوند. معقولات ثانویه، به دودسته تقسیم می‌شوند؛ معقولات ثانویه منطقی، معقولات ثانی فلسفی.

معقولات ثانی منطقی

معقولات ثانویه منطقی، مفاهیمی هستند که صرفاً در دل ذهن وجود دارند و ارتباطی با واقعیت خارجی ندارند. این مفاهیم تنها با تعمق و تأمل در ذات خود قابل شناسایی هستند و قابلیت گسترش و تحول دارند. این مفاهیم شامل تصور، تصدیق،

قضیه، قیاس، کلی، جزئی و موارد مشابه هستند و به‌عنوان معقولات ثانویه منطقی شناخته می‌شوند (مصباح، ۱۳۷۷، ص ۱۹۱-۹۳؛ مصباح، ۱۳۷۴، ص ۴۷).

معقولات ثانی فلسفی

معقولات ثانویه فلسفی، مفاهیمی انتزاعی هستند که به وصف و نحوه وجود اشیاء و روابط آن‌ها اشاره می‌کنند. این مفاهیم، مانند "علت" و "معلول"، با مقایسه و تحلیل عقلی اشیاء وجودی آن‌ها را بیان می‌کنند. آن‌ها ارتباطی با دنیای خارجی ندارند، اما بازتاب آن‌ها در دنیای خارجی قابل مشاهده است. این مفاهیم نیازمند کندوکاو و تحقیقات عمیق برای دستیابی به آن‌ها هستند و غنای عقلانی و تأملی را بیان می‌کنند (مصباح، ۱۳۷۷، ص ۱۹۱-۹۳).

بعد از روشن شدن معقولات اولی و ثانی حال باید دید نگاه بودا به تفکر فلسفی به چه صورت است.

بودا و ضدیت با تفکر فلسفی

بودا در وهله اول یک معلم اخلاق و اصلاحگر بود نه یک فیلسوف مابعدالطبیعه. او به مباحث متافیزیکی خالی از فایده عملی علاقه‌ای نداشت. پیام روشن‌شدگی او درصدد ارائه طریق زیست به انسان بود تا انسان را به رهایی از رنج برساند. لذا زمانی که از او درباره امور مابعدالطبیعه نظیر اینکه آیا روح چیزی جدای از بدن است؟ آیا روح بعد از مرگ باقی است؟ آیا جهان پایانی دارد یا خیر؟ جهان حادث است یا قدیم؟ سؤال می‌شد، پاسخ او فقط سکوت بود و از ورود به این‌گونه مباحث خودداری می‌کرد. از نظر او بحث درباره موضوعاتی که برای پاسخ به آن‌ها ادله و شواهد کافی وجود ندارد به نگرش‌های گوناگون منتهی می‌شود. مانند پاسخ‌هایی که مردان نابینا با لمس کردن قسمت‌های مختلف پیکر فیل در خصوص ماهیت آن می‌دادند. بودا به سرگذشت فکری متفکران فلسفه مابعدالطبیعه قبل از خود اشاره می‌کرد که به چه طریق آن‌ها به جهت اینکه تفکر خود را بر اساس تجربیات حسی، بیم و امیدهای پوچ و غیر یقینی بنا کرده بودند، همگی به خطا رفته بودند. بودا بارها سفارش می‌کرد باید از تفکرات فلسفی پرهیز نمود نه فقط به علت اینکه یافته‌های فلسفی غیر یقینی و غیرقطعی هستند، بلکه چون هرگز بشر را حتی یک گام هم به هدف زندگی خود، یعنی رسیدن به جایگاه رهایی و آزادی از همه رنج‌ها نزدیک‌تر نمی‌سازند. درست برعکس آن انسانی که خود را مشغول این قبیل تفکرات می‌کند، در تاروپود خیال‌پردازی‌هایی که خود ایجاد کرده محبوس می‌شود. از نظر او مهم‌ترین مسئله انسان، خاتمه بخشیدن به دردها و رنج‌هایش است. کسی که از فراوانی رنج و آزار به خود می‌پیچد اگر خود را مشغول تفکرات فلسفی درباره انسان و دنیا کند، بسان آن انسان نادانی است که تیری مسموم در پهلویش فرو رفته و فرصت نیز با شتاب در حال از دست رفتن است. او در عوض اینکه تیر را سریع از پهلویش خارج کند به تفکرات عقلانی بپردازد. بعضی مسائل فلسفی بودند که بودا جواب آن‌ها را غیر یقینی می‌دانست و در جهت اخلاقی عاری از منفعت می‌دید. بنابراین در خصوص آن‌ها گفت‌وشنود و کاوشی را پسندیده نمی‌دانست. این پرسش‌های خاص عبارت‌اند از: ۱. آیا دنیا فناپذیر است؟ ۲. آیا دنیا خاتمه پذیر است؟ ۳. آیا جهان بی‌انتهای نامحدود است؟ ۴. آیا جهان آغاز و پایانی دارد؟ ۵. آیا روح همان بدن است؟ ۶. آیا روح از بدن متمایز و ماهیتی جداگانه دارد؟ ۷. آیا کسی که به آگاهی حقیقت رسیده است بعد از مرگ دوباره به جهان باز خواهد گشت؟ ۸. آیا بعد از مرگ دوباره نخواهد زیست؟ این‌گونه سؤالات در فرهنگ بودائی، «پرسش‌های نامتعین» (به زبان پالی avyakatani) (Sarkar, 2021, p. 166) خوانده می‌شوند. بودا در عوض گفتگو در زمینه مباحث متافیزیکی که از منظر اخلاقی او، بدون منفعت و از دید عقلانی غیر یقینی‌اند، پیوسته تلاش می‌کرد نهان انسان‌ها را در مورد مهم‌ترین سؤالات آشکار گرداند؛ سؤالاتی در خصوص رنج، چیستی و راه‌های پایان بخشیدن به آن. زیرا همان‌گونه که او خود می‌گفت «چیزی برای انسان سودبخش است که در خصوص پایه دین باشد و انسان را به بی‌زاری از جهان، نبود احساسات، سکون، آرامش، معرفت، عقل متعالی و بالأخره به نیروانده برساند (چترجی، ساتیش چاندر، داتا، دیندراموهان، و ناظرزاده کرمانی، فرناز، ۱۳۹۴، صص ۲۶۶-۶۹).

درست است، هم متون اولیه پالی، و هم ادبیات تفسیری بعدی، بودا را به‌عنوان یک معلم اخلاقی بزرگ نشان می‌دهند که به گریز از رنج برای همه نوع بشر اشاره می‌کند. مسائل عملی نظم و انضباط، عدم دل‌بستگی و آزادی از همه سختی‌ها مهم‌ترین دغدغه او بود. و با این حال، او علیرغم این تأکید بر رستگاری و بی‌اعتنایی به همه گمانه‌زنی‌های فلسفی، نتوانست از

ساختن نظام متافیزیکی خود اجتناب کند. زیرا، هر صورت‌بندی اخلاقی از آنجایی که نمی‌تواند به‌تنهایی در هوا شناور باشد در واقع مستلزم یک جهان‌بینی زیربنایی، یک بینش هستی‌شناختی برای حمایت از آن است، یعنی به آن ثبات و اعتبار کیهانی بدهد (Sutton, 1991, pp. 39-40).

با توجه به نکاتی که بیان شد اولاً باید دقت داشت که بودا رأساً به این نکته اشاره نکرده است که مفهوم رنج از چه سنخ مفاهیمی است و اصلاً او میانه خوبی با فلسفه به معنایی که بیان شد، ندارد. لکن می‌توان از سخنان او و پیروانش به این نکته دست یافت که مفهوم رنج از چه سنخ مفاهیمی خواهد بود.

حال به برخی از سخنان بودا پیرامون رنج اشاره می‌شود تا روشن گردد از منظر او رنج چگونه مفهومی است.

رویگرد بودا به رنج به‌جای انتزاع متافیزیکی، هستی‌شناختی است. اولین چیزی که باید بدانیم این است که اگرچه کلمه «(Dukkha(p)/ Duhkka(s)» به معنای تحت‌اللفظی «رنج» ترجمه شده است، (عبدالرحیم گواهی، بی‌تا، ص ۴۱-۴۲) به رنج‌های خاص زندگی که ناشی از شرایط بیرونی است، مانند جنگ‌ها، قحطی‌ها و بیماری‌ها، اشاره دارد، اما معانی ظریف‌تری را نیز می‌رساند. بودا رنج را با یک علت درونی، یعنی مکانیسم روانی تشنگی و بیزاری، نشان می‌دهد. رنج در مفهوم بودایی نیز ناشی از تجربه روان‌شناختی قانون «ناپایداری» است، یعنی احساس رضایت و لذت به‌سرعت ناپدید می‌شود (Y.-H. Chen, 2006, pp. 76-77).

در اینجا لازم است به‌صورت مختصر به سه اصل بنیادین و هستی‌شناسان آیین بودا نیز اشاره شود (شایگان، داریوش، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۱۴۱-۱۵۰)؛

۱. رنج جهانی (Dukkha(p)/ Duhkka(s)؛ فرضیه رنج جهانی به معنای وجود رنج و ناگواری در دنیا است. بر اساس این اصل، زندگی دنیا منشأ درد و رنج بی‌پایان است. این رنج ممکن است از طریق بیماری، پیری، مرگ، جدایی از کسانی که دوستشان داریم، و سایر تجارب ناپسند دیگر ایجاد شود.

۲. ناپایداری اشیاء (Anicca(p)/ Anitya(s)؛ این اصل بر این ایده تأکید دارد که همه چیز در جهان به‌طور طبیعی در حال تغییر و تحول است. هیچ چیز به‌صورت ثابت و پایدار نیست و همه چیز در حال رشد و فروپاشی است. این اصل بر مفهوم عدم ثبات و هم‌چنین ضرورت تغییر تأکید می‌کند.

۳. عدم جوهر ثابت (Anatha(s)/ Anatman(s)؛ این اصل به معنای عدم وجود یک جوهر یا ذات ثابت و مستقل در هر انسان یا موجود زنده دیگری است. بر اساس این اصل، هیچ ذات مستقلی وجود ندارد و انسان‌ها به‌عنوان موجودات متشکل از عناصر مختلف و ویژگی‌هایی که با زمان تغییر می‌کنند، وجود دارند.

بودا رنج را به‌عنوان یک پدیده معنوی، بخشی جدایی‌ناپذیر از وجود روزانه یک فرد (سمساره) می‌داند که آغاز و پایانی ندارد. طبق آیین بودای اولیه، تمام زندگی حساس (عادی) دوکه (رنج) است و همیشه یک اضطراب آزاردهنده در هسته وجود فرد وجود خواهد داشت. بودا بر ناپایداری و تغییرات اجتناب‌ناپذیری که همه چیز را دربر می‌گیرد تأکید می‌کند (G. Chen, 2010, p. 367).

حاصل اینکه از منظر آیین بودا، رنج‌ها احساسات طبیعی هستند که در زندگی انسان رخ می‌دهند (Kumar, 2002, p. 41) و در صورتی که با آن‌ها به‌درستی برخورد نشود، می‌توانند به مشکلاتی نظیر افزایش تنش، اضطراب و افزایش درد و رنج منجر شوند. از منظر آیین بودا، مفهوم رنج از معقولات ثانویه است، به این معنی که رنج به‌عنوان یک واقعیت معتبر و مستقل در جهان وجود ندارد، بلکه به‌عنوان یک تفسیر، برداشت یا تجربه‌ای از واقعیت‌های مرتبط با خود ماست. بر این اساس، رنج نه‌تنها از معقولات اولیه نیست، بلکه در حقیقت، مفهوم آن از معقولات ثانویه ساخته شده است.

حقیقی است یا اعتباری

بر اساس بودیسم اولیه، «خود» وجود ندارد و افراد در نهایت واقعی نیستند، از این روست که بودا می‌گوید: شخص در نهایت واقعی نیست (Siderits, 2021a, p. 49). این ممکن است تا حدودی به صورت رمزآلود به این صورت بیان شود: ما افراد تهی هستیم، افرادی که از «خود» خالی هستند (Siderits, 2021a, p. 32).

هستی‌شناسی عقل سلیم ما در ظاهر مملو از چیزهایی است که ما فکر می‌کنیم واقعی هستند، اما همچنان کل‌هایی هستند که از اجزا تشکیل شده‌اند. دیدگاه بودایی اولیه این است که به‌طور دقیق هیچ‌یک از این چیزها واقعاً واقعی نیستند (Siderits, 2021a, p. 55).

لازم به ذکر است در میان مکاتب بودایی دربارهٔ چیستی و واقعیت جهان هستی، عده‌ای نیهیلیست به شمار می‌آیند و معتقدند هیچ‌چیز واقعیت عینی ندارد، نه اشیاء ذهنی و نه اشیاء عینی و هر دو تهی هستند. در مقابل گروهی از بودایی‌ها معتقدند اشیاء عینی یا جهان مادی عاری از واقعیت و تهی است اما اشیاء ذهنی را واقعی می‌دانند. دسته سوم هم جهان مادی و عینی و هم جهان ذهنی را واقعی می‌دانند. این گروه دربارهٔ اینکه معرفت ما به جهان خارج چگونه حاصل می‌شود، دو نظریه دارند، برخی معرفت به جهان خارج را با حس ممکن می‌دانند و برخی معرفت به جهان بیرونی را تنها از راه استنتاج ممکن می‌شمارند (چاترجی، ساتیش چاندر و دیگران، ۱۳۹۴، ص ۳۰۶-۲۵).

با این حال بودایی‌ها ادعا می‌کنند که «خود» وجود ندارد و شخص فقط به‌طور متعارف واقعی است (Siderits, 2021a, p. 69). و برای انکار وجود «خود» نیز از دو برهان «ناپایداری» و «عدم جوهر ثابت»، کمک می‌گیرد (Siderits, 2021b, p. 19). لذا از منظر آیین بودا در نهایت فقط رنج وجود دارد، نه کسی که با آن مواجه است.

پس مفهوم رنج در آیین بودا حقیقی است و به‌عنوان یکی از چهار حقیقت شریف (The Four Noble Truths) مطرح شده است. بر اساس این حقیقت، رنج یکی از مشکلات بنیادی زندگی است که در آن، هر نوع تلاش برای رسیدن به خوشبختی و رضایت کامل، با شکست مواجه می‌شود. به عبارت دیگر، رنج وابسته به زندگی و به‌خصوص به وجود پیدا کردن و مرگ، تلقی می‌شود که در آیین بودا به‌عنوان مسئله اصلی زندگی شناخته می‌شود.

از دیدگاه بودایی، رنج به‌عنوان یکی از سه شرط وجودی (Three Marks of Existence) در نظام جهانی تلقی می‌شود (Schuurman, 2016, p. 137). لذا همه‌چیز در این دنیا با رنج همراه است. بنابراین، رنج در آیین بودا به‌عنوان یکی از مفاهیم حقیقی و بنیادی شناخته می‌شود که در ارتباط با زندگی و وجود انسان است.

قابلیت تعریف

مفهوم رنج در آیین بودا قابلیت تعریف دارد. چراکه رنج در این آیین به‌عنوان یکی از چهار حقیقت شریف مطرح شده است. بر این اساس رنج در آیین بودا به‌عنوان مفهومی قابل تعریف و بنیادی در زمینه زندگی و وجود انسان شناخته می‌شود.

تعریف

منظور از رنج، سلسله نامعلومی از چرخه‌های تولد و مرگ است که توسط امیال نادرست هدایت می‌شوند و تحت سیطره توهّم پرورش می‌یابند (Dahlke, Sīlācāra, Oates, & Constant, 2015, p. 27). از این رو رنج به معنای هرگونه درد، رنج و ناخوشایندی است که انسان در زندگی خود تجربه می‌کند، از جمله درد جسمی، عاطفی، ناراحتی، ناامیدی و افسردگی و... این تعریف رنج در آیین بودا نه تنها به انسان‌ها بلکه به تمام موجودات زنده اعم از حیوانات نیز اطلاق می‌شود، زیرا همه آن‌ها در معرض درد و رنج هستند.

۲. معناشناسی مفهوم رنج از منظر اسلام

مفهوم رنج از چه سنخ مفاهیمی است (معقولات اولی یا ثانی)

از آنجایی که در بخش اول به معقولات اولی و ثانی پرداخته شد، لذا در این مقام از تکرار مباحث خودداری کرده و به اصل

مطلب اشاره می‌شود.

نظر به اینکه مفهوم رنج در مقایسه با مفهوم لذت محقق می‌شود، و لذات هم از مقولات کیف نفسانی هستند، و از آنجایی که یقینی‌ترین انواع کیف، کیفیات نفسانی است که با علم حضوری و تجربه درونی شناخته می‌شوند (مصباح، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۲۴۶) لذا کیف نفسانی از قبیل مفاهیم ماهوی است، که از دسته مقولات اولی است (مصباح، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۱۹۱). در نتیجه مفهوم رنج معقول اولی است.

حقیقی است یا اعتباری

از منظر اسلام مفهوم رنج یک مفهوم حقیقی است که به آزمایش‌ها، مشکلات و چالش‌های زندگی اشاره دارد. این مفهوم حقیقی نشان‌دهنده تجارب و واقعیت‌های ملموس زندگی است که انسان با آن مواجه می‌شود. به عبارت دیگر، رنج در این دیدگاه یک جنبه حقیقی و واقعی از زندگی انسان است. لذا خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: که ما انسان را در رنج آفریدیم (زندگی او پر از رنج‌هاست!) «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي كَبَدٍ» (بلد، آیه ۴) همچنین واژگانی چون «عُسْر» _فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا_ (شرح، آیه ۵) _، «ضُرٌّ»_ وَأَيُّوبَ إِذْ نَادَى رَبَّهُ أَنِّي مَسَّنِيَ الضُّرُّ وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ (انبیاء، آیه ۸۳) _، «مُصِيبَةٌ»_ _الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ (بقره، آیه ۱۵۶) _ و «شَرٌّ»_ كَتَبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالَ وَهُوَ كَرُهٌ لَكُمْ وَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ وَعَسَى أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ (بقره، آیه ۲۱۶) _ را که به مفهوم رنج نزدیک هستند، در آیات شریفه بکار برده است. لذا با توجه به موارد ذکر شده حقیقی بودن آن واضح است. همچنین، در حدیثی از رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ آمده است: «إِنَّ أَعْظَمَ الْجَزَاءِ مَعَ أَعْظَمِ الْبَلَاءِ وَإِنَّ اللَّهَ إِذَا أَحَبَّ قَوْمًا ابْتَلَاهُمْ بِبَلَاءٍ فَمَنْ رَضِيَ فَلَهُ الرِّضَا وَمَنْ سَخِطَ فَلَهُ السَّخَطُ» (فتال نیشابوری، بی‌تا، ج ۲، ص ۴۲۳). بزرگ‌ترین پاداش‌ها در مقابل بزرگ‌ترین بلاهاست و خداوند چون قومی را دوست بدارد آنان را گرفتار می‌سازد. هر کس خشنود باشد، خشنودی خدا برای اوست و هر کس خشمگین شود، خشم خدا برای اوست.

بعد از اینکه حقیقی بودن آن روشن شد شایسته است در باب قابلیت تعریف داشتن آن نیز بحث شود که در ذیل به این موضوع پرداخته می‌شود.

قابلیت تعریف

در اسلام، رنج به‌عنوان یکی از بخش‌های زندگی انسانی در نظر گرفته می‌شود و معتقد است که رنج می‌تواند به‌عنوان یک فرصت برای رشد و تکامل فردی و روحی مورد استفاده قرار گیرد. در قرآن کریم، خداوند متعال می‌فرماید: «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي كَبَدٍ» (بلد، آیه ۴) این آیه نشان می‌دهد که رنج جزئی از طبیعت انسان است و نمی‌توان از آن گریزان بود، چراکه در جمیع شئون حیات انسان جاری است و هیچ نعمتی در دنیا خالی از رنج نیست (طباطبایی، بی‌تا، ج ۲۰، ص ۲۹۱). «يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيهِ» (انشقاق، آیه ۶) ای انسان! تو با تلاش و رنج بسوی پروردگارت می‌روی و او را ملاقات خواهی کرد! این آیه به انسان یادآوری می‌کند که زندگی زمینی پر از چالش‌هاست و او با کوشش و تلاش خود به‌سوی مقامات عالی‌تر در حال پیشرفت است. با این حال، در اسلام تأکید شده است که با استفاده از صبر و تقوا، «وَإِنْ تَصَبَّرُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ» (آل عمران، آیه ۱۸۶) می‌توان به رشد و تکامل روحی دست یافت. لذا مفهوم رنج از منظر اسلام قابل تعریف است.

خود تعریف

در این مقام شایسته است تعریف صحیحی ارائه داد تا از خلط آن با تعریف شر جلوگیری شود. تعریف جامع رنج با توجه به مؤلفه‌هایی که در بخش اول و دوم بیان شد می‌تواند این‌چنین باشد؛

رنج کیف نفسانی نسبی است که مطبوع طبع آدمی نبوده و انسان در چگونه مواجه‌شدن با آن حالات مختلفی دارد.

مقایسه و تطبیق

در این قسمت گزاره‌های مختلفی مورد بررسی قرار گرفت که در ذیل به آن‌ها اشاره و نظر هرکدام از این دو آیین بیان می‌شود.

مفهوم رنج از چه سنخ مفاهیمی است

از منظر آیین بودا مفهوم رنج از معقولات ثانویه است؛ بدین معنا که رنج به‌عنوان یک واقعیت معتبر و مستقل در جهان وجود ندارد بلکه به‌عنوان یک تفسیر، برداشت و تجربه‌ای از واقعیت‌های خود ما است. از منظر اسلام همان‌طور که بیان شد مفهوم رنج از سنخ معقولات اولی خواهد بود که گواه یک واقعیت است.

در آیین بودا، رنج به‌عنوان یک تجربه انسانی و مفهومی تلقی می‌شود که به‌عنوان یکی از مسائل زندگی و وجود انسان مطرح می‌شود. بر اساس آموزه‌های بودایی، رنج ناشی از تعلق ما به دنیای مادی و نفسانی است. از این دیدگاه، رنج نه به‌عنوان یک واقعیت مستقل در جهان وجود دارد، بلکه به‌عنوان نتیجه‌ای از دل‌بستگی ما به امور دنیوی و عقلانی تجربه می‌شود. در دین اسلام نیز، رنج به‌عنوان یک جزء از تجربه انسانی تلقی می‌شود. اسلام اعتقاد دارد که رنج و مشکلات در دنیا از سنخ معقولات اولیه هستند که توسط خداوند برای امتحان و آزمایش انسان‌ها ایجاد شده‌اند. به‌عبارت‌دیگر، رنج به‌عنوان یک جزء از مسیر زندگی و آزمون انسان در دنیا در نظر گرفته می‌شود. از این منظر، رنج نه‌تنها یک واقعیت معتبر در دین اسلام است، بلکه همچنین دارای معنای دینی و اخلاقی است و می‌تواند به ترقی و تکامل انسان کمک کند.

لذا در این بحث بین آیین بودا و اسلام تفاوت وجود دارد.

حقیقی است یا اعتباری؟

از دیدگاه آیین بودا، رنج یک واقعیت حقیقی در زندگی انسان است و نتیجه‌ای از تعلق او به دنیای مادی و نفسانی است. از منظر اسلام نیز مفهوم رنج یک مفهوم حقیقی و واقعی است.

قابلیت تعریف و خود تعریف

از منظر آیین بودا و اسلام مفهوم رنج قابلیت تعریف دارد. فقط در نحوه تعریف تفاوت وجود دارد که در ذیل بیان می‌شود. تعریف رنج از منظر آیین بودا؛ رنج به معنای هرگونه درد، رنج و ناخوشایندی است که انسان در زندگی خود تجربه می‌کند، از جمله درد جسمی، عاطفی، ناراحتی، ناامیدی و افسردگی و... این تعریف رنج در آیین بودا نه‌تنها به انسان‌ها بلکه به تمام موجودات زنده اعم از حیوانات نیز اطلاق می‌شود، زیرا همه آن‌ها در معرض درد و رنج هستند.

تعریف رنج از منظر اسلام؛ رنج کیف نفسانی نسبی است که مطبوع طبع آدمی نبوده و انسان در چگونه مواجه شدن با آن حالات مختلفی دارد.

جمع‌بندی

آراء و دیدگاه‌ها در مورد مفهوم رنج در آیین بودا و اسلام گوناگون است. آیین بودا، رنج را به‌عنوان یک تجربه انسانی و مفهومی معرفی می‌کند که از تعلق به دنیای مادی و نفسانی ناشی می‌شود. این آیین اعتقاد دارد که رنج نه‌تنها به‌عنوان یک واقعیت مستقل در جهان وجود ندارد، بلکه به‌عنوان نتیجه‌ای از ارتباط انسان با امور دنیوی و عقلانی تجربه می‌شود. در اسلام، رنج به‌عنوان یک جزء از تجربه انسانی در نظر گرفته می‌شود و این دین اعتقاد دارد که این رنج‌ها از سنخ معقولات اولیه ساخته شده‌اند که خداوند برای امتحان و آزمایش انسان‌ها آفریده است. اسلام واقعیت حقیقی و واقعی تجربه رنج را پذیرفته و به‌عنوان یک جزء از مسیر زندگی و آزمون انسان در دنیا در نظر گرفته می‌شود. همچنین در مورد تعریف، آیین بودا رنج را به معنای هرگونه درد، ناراحتی و احساسات منفی تجربه شده توسط انسان یا حتی حیوانات تعریف کرده و این تعریف را برای همه موجودات زنده شامل حیوانات نیز می‌داند. از سوی دیگر، اسلام مفهوم رنج را کیفیت نفسی نسبی دانسته و معتقد است که این

مفهوم مطبوع طبع آدمی نبوده و تجربه رنج به شیوه‌های مختلفی ممکن است. بنابراین، می‌توان گفت که در آیین بودا رنج به‌عنوان یک واقعیت حقیقی معرفی شده و مفهوم رنج به‌عنوان معقولات ثانویه دیده می‌شود، درحالی‌که در اسلام، رنج به‌عنوان یک واقعیت حقیقی و از سنخ معقولات اولیه در نظر گرفته می‌شود.

منابع

چاترجی، ساتیش چاندرا، داتا، دیندراموهان، و ناظرزاده کرمانی، فرناز. ۱۳۹۴. معرفی مکتب‌های فلسفی هند. قم: مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب.

شایگان، داریوش. ۱۳۸۹. ادیان و مکتب‌های فلسفی هند. ۲. تهران: امیرکبیر.

طباطبایی، محمد حسین. بی‌تا. المیزان فی تفسیر القرآن. جامع تفاسیر نور ۳. مؤسسه‌ی علمی للمطبوعات.

_____ بی‌تا. بدایة الحکمه. قم: جماعه المدرسين بقم المشرفه، موسسه النشر اسلامي.

عبدالرحیم گواهی. بی‌تا. واژه‌نامه‌ی ادیان. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

فتال نیشابوری، محمد بن احمد. بی‌تا. روضه‌ی الواعظین. جامع الاحادیث ۳.۵. الشریف الرضی | المکتبه الحیدریه.

مصباح، محمد تقی. ۱۳۷۴. فلسفه اخلاق. تهران: اطلاعات.

_____ . ۱۳۷۷. آموزش فلسفه. تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، معاونت پژوهشی.

مطهری، مرتضی. ۱۳۶۸. مجموعه آثار استاد شهید مطهری. تهران: قم: صدرا.

مطهری، مرتضی، و سبزواری، هادی بن مهدی. بی‌تا. شرح مبسوط منظومه. تهران: حکمت.

مکارم شیرازی، ناصر. بی‌تا. قرآن (مکارم). جامع تفاسیر نور ۳. دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.

Chen, Gila. 2010. "The Meaning of Suffering in Drug Addiction and Recovery from the Perspective of Existentialism, Buddhism and the 12-Step Program." *Journal of Psychoactive Drugs* 42 (3): 363-75. <https://doi.org/10.1080/02791072.2010.10400699>

Chen, Yu-Hsi. 2006. "Coping with Suffering: The Buddhist Perspective." *Handbook of Multicultural Perspectives on Stress and Coping*, 73-89

Dahlke, Paul, B. Sīlācāra, L. R. Oates, and L. G. Constant. 2015. "The Five Precepts: Collected Essays" 3

Kumar, Sameet M. 2002. "An Introduction to Buddhism for the Cognitive-Behavioral Therapist." *Cognitive and Behavioral Practice* 9 (1): 40-43

Sarkar, Shyamal Chandra. 2021. "Concept of Education and Eight Fold Path of Gautama Buddha: A Brief Study"

.Schuurman, Cahalan &. 2016. *Calling in Today's World*. Wm. B. Eerdmans Publishing

.Siderits, Mark. 2021. *Buddhism as Philosophy*. Hackett Publishing

.How Things Are: An Introduction to Buddhist Metaphysics. Oxford University Press . ۲۰۲۱ . _____

Sutton, Florin G. 1991. *Existence and Enlightenment in the Lankavatara-Sutra: A Study in the Ontology and the Epistemology of the Yogacara School of Mahayana Buddhism*. State University of New York Press